



شماره 16 ، 10 مهر ماه 1392

به‌مناسبت هفتاد و دومین سال تاسیس حزب توده ایران

در زمینه مبارزات حزب ما در طی این مدت طولانی به طور مختصر اشاره کنیم. در ادامه فعالیت سوسیال دموکراسی ایران در جنبش مشروطه و سپس جنبش‌های پس از انقلاب اکتبر در کشور ما، فعالیت حزب کمونیست ایران در تابستان سال 1299 در شرایطی بسیار دشوار علیه استعمار و ارتجاع آغاز گردید. به دنبال پایان فعالیت حزب کمونیست ایران و گروه ارانی، حزب توده ایران بمثابه وارث حزب کمونیست ایران و گروه ارانی در 10 مهرماه سال 1320 در شرایط سخت جنگ دوم جهانی فعالیت انقلابی خود را در جبهه‌های گسترده از مسایل اجتماعی و سیاسی آغاز کرد.

حزب توده ایران در نخستین برنامه خود مبارزه با استعمار و تأمین استقلال کشور، انجام اصلاحات ارضی، نبرد با فاشیسم، محو استبداد و تأمین آزادی‌های دموکراتیک را مطرح کرد و در راه اجرای آن کوشید. حزب توده ایران از نخستین روز پیدایش خود اندیشه‌های سوسیالیسم علمی را در مقیاس کشور ترویج کرده و کارگران و زحمتکشان را در جریان نبرد با اندیشه‌های مارکسیستی آشنا کرده است.

در این دوران‌های تاریخ میهن ما، از دوران فعالیت حزب کمونیست ایران و گروه ارانی و سپس دوران فعالیت حزب توده ایران، مبارزات پیروان سوسیالیسم علمی، مبارزان راه استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی در ایران صفحات زرینی بر تاریخ کهنسال کشور ما که مهد نبردهای حماسه‌آمیز خلق‌های میهن‌مان علیه ستمگران است افزودند که در تاریخ کشور ما بی‌همتاست.

حزب توده ایران در نبرد تاریخی خلق‌های ایران علیه استعمار و ارتجاع، استعمار و عقب‌ماندگی سهم بسزایی داشته و همیشه در صفوف اول جنبش انقلابی ایران گام برداشته است.

در این شرایط که وظایف سنگینی در برابر اعضاء حزب و مبارزان توده‌ای قرار دارد. حزب توده ایران با توجه به ضرورت عامل ذهنی برای پیروزی جنبش انقلابی ایران و با توجه به اهمیت مراعات موازین پنهان‌کاری و هوشیاری در اجرای مشی سازمانی عدم تمرکز در درون کشور، برای اعضاء حزب و مبارزان توده‌ای در اجرا وظایف دشوار خویش آرزوی موفقیت دارد.

در صفحات دیگر:

به‌مناسبت هفتاد و دومین سال تاسیس حزب توده ایران در ص 1
در راه صلح علیه جنگ مبارزه کنیم در ص 1
از ایران چه خبر در ص 4

در راه صلح علیه جنگ مبارزه کنیم

موسویان یکی از افراد تیم مذاکره کننده هسته‌ای رژیم در مصاحبه با نشریه (July 09, 2013 The Cairo Review) تهیه بمب اتمی و خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی را تبلیغ می‌کند. او در مخالفت با پایان دادن به برنامه‌های اتمی رژیم چنین اظهار عقیده می‌کند:

"خروج از پیمان نامه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی) گزینه‌ای شده که به صورت فزاینده‌ای در حلقه‌های تصمیم‌گیری کشور، (ایران) جذاب به نظر می‌رسد."

نامبرده طولانی شدن مدت مذاکرات را فرصتی برای ساختن بمب اتمی می‌داند که می‌توان از آن به عنوان "ابزاری جهت حل مسالمت‌آمیز بحران اتمی استفاده کرد."

وی در مصاحبه خود به منافعی که از بابت ساختن بمب اتمی نصیب رژیم می‌شود اشاره می‌کند و می‌گوید:

"پایان دادن به سیاست تغییر رژیم (ایران) توسط ایالات متحده آمریکا، تحت فشار قرار دادن آمریکا برای به رسمیت شناختن حق ایران برای غنی‌سازی و پایان دادن به این خیال آمریکا که ایران تنها به غنی‌سازی 5 درصدی اکتفا خواهد کرد، متقاعد کردن غرب به برداشتن تحریم‌ها در مقابل عدم استفاده از بمب اتمی و درک تئوری «نابودی تضمین شده دو طرفه» که "کنت والتز" آن را مطرح کرده است و نیز دربارهٔ بمب‌های اتمی اسرائیل این طور اظهار عقیده می‌کند که: "فشار به اسرائیل برای قبول کردن خاورمیانه‌ای عاری از سلاح‌های اتمی و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی و ایجاد یک توازن استراتژیک امکان جنگ در خاورمیانه را کاهش می‌دهد."

ملاحظه می‌کنید چه کسانی به عنوان نماینده سیاست خارجی رژیم در مسائل مربوط به سرنوشته کشور چگونه موضع‌گیری می‌کنند و با این گونه ترهات ضرورت حل مسائل حاد در کشورمان را از دیدگاه خیالپرستانه و ماجراجویانه مورد ارزیابی قرار می‌دهند. در شرایطی که میهن ما طی یکسال گذشته بر اثر تحریم‌های اقتصادی و مالی و بانکی شورای امنیت به علت عدم اجرای قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی و شورای امنیت سازمان ملل از جانب رژیم متحمل زیان‌های سنگین شده است. طرح موضعی از این دست به مصداق صداهایی که از تیمارستان برمی‌خیزد، می‌تواند زمینه را برای ایجاد محیط تشنج در

حزب توده ایران خواهان پایان دادن به جنگ و توقف ادامه جنگ بود. در آن شرایط که حزب توده ایران ضرورت صلح عادلانه و حل مسالمت‌آمیز اختلافات دو کشور را مطرح می‌ساخت نیروهای مذهبی و روحانیون حاکم که حزب ما را رقیب خود می‌پنداشتند جو دشمنانه‌ای را علیه حزب ما دامن می‌زدند. در این ارتباط اردبیلی رئیس قوه قضائیه رژیم در خطبه نماز جمعه 1 مرداد 1361 گفت: "حزب توده (ایران) ... وقتی مسئله جنگ به مرحله حساس خود رسید، تحلیل داد و زهر خود را ریخت و با اربابش هم صدا شد." (اطلاعات 2 مرداد 1361)

ولی این سران مرتجع رژیم و روحانیون حاکم به سرکردگی خمینی بودند که پس از یورش به حزب توده ایران با ادامه دادن به جنگ خانمانسوز که خواست امپریالیسم بود پاسخ دادند و با اعمال سیاست عمیقاً ارتجاعی و ضد خلقی نظام سپاه قرون وسطایی را بر ملت ایران تحمیل کردند و راه بازگشت و ابستگی امپریالیستی را بر میهن ما هموار نمودند و با ادامه جنگ بی‌سرانجام سالانه دهها میلیارد دلار هزینه جنگ را به خلق‌های ایران تحمیل کردند که تحمیل این هزینه سنگین منبع غارتگری انحصارهای نظامی بود و در سیاست خارجی با درپیش گرفتن سیاست عداوت با کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول با اتحاد شوروی را ادامه دادند.

باید خاطر نشان ساخت پس از توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم علیه انقلاب ایران بویژه کودتای 18 تیرماه 1359 نوزه و توطئه تجاوز نظامی عراق به ایران در شهریور 1359، که یکی پس از دیگری در میهن ما تدارک دیده شد و به موقع اجرا درآمد. می‌بینیم پس از یورش به حزب توده ایران و ممنوع شدن فعالیت حزب توده ایران در کشور، که هدف آن سرکوب و نابودی حزب توده ایران به منظور توجیه سیاست گرایش به سوی امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و هموار ساختن زمینه برای ادامه نظام منحوس سرمایه‌داری و وابسته در کشور ما بود. توطئه امپریالیسم با همکاری نیروهای ضد انقلاب و ارتجاع داخلی علیه انقلاب ایران و نیروهای راستین وفادار به انقلاب موفق می‌یابد و امپریالیسم آمریکا که آتش جنگ ایران و عراق را برافروخته بود، پس از چند سال برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق به بهانه دفاع از "منافع حیاتی" خود در خلیج فارس و حفظ آبراه تنگه هرمز ناوگان نظامی خود را به منطقه خلیج فارس گسیل می‌دارد.

در سال‌های 1360 آمریکا در شرایط ادامه جنگ ایران و عراق، رژیم حاکم در ایران را بمنظور پایان دادن به جنگ از طریق محاصره پایانه‌های صدور نفت به خارج زیر فشار اقتصادی و نظامی خود قرار داد. ناوگان جنگی آمریکا در منطقه خلیج فارس و دریای عمان و هواپیماهای جنگی آن مستقر در پایگاه‌های نظامی آمریکا در بحرین، عمان و عربستان سعودی برای فشار وارد کردن به رژیم حاکم ترمینال خارک مرکز صدور نفت ایران را در محاصره می‌گیرند و هواپیماهای جنگی آمریکا کشتی‌های نفتکش و سکوها چاه‌های نفت ایران در

منطقه خلیج فارس فراهم کند و تبعات غیرقابل پیش‌بینی برای کشور و مردم میهن ما به همراه داشته باشد.

در مورد ایجاد یک "توازن استراتژیک" در خاورمیانه و دستیابی به سلاح اتمی که این آقای نظریه‌پرداز رژیم مطرح می‌کند، این توازن باید از طریق مسابقه تسلیحاتی با قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا و پیمان نظامی "ناتو" باشد. سوال این است، در حال حاضر برای رسیدن به این مقصد کدام از کشورها قادر به ایجاد توازن در خاورمیانه خواهند بود؟ کشورهای عربی در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس و در افریقا، ترکیه، ایران و پاکستان دارای بمب اتمی اسلامی تلاش می‌کنند تا توازن استراتژیک در منطقه خاورمیانه را در مقابل اسرائیل که دارای بیش از دویست بمب اتمی است، ایجاد کنند. استدلالی که در این زمینه نامبرده مطرح می‌کند چنین است: خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی و تهیه بمب اتمی!! این نظر که بمثابة تظاهر اندیشه منسوخ و کهنه شده است، نشان‌دهنده تمایلات در بخشی از محافل حاکمه رژیم برای دستیابی به سلاح اتمی است.

برخلاف آنچه وی درباره ایجاد توازن استراتژیک آنهم در عصر انباشت سلاح‌های نابودکننده هسته‌ای ترسیم می‌کند. چنانکه می‌بینیم دولت اسرائیل نه تنها قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را از سال 1948 تا بحال اجرا نکرده و نمی‌کند بلکه مرزهای مشخص و تعیین شده بین‌المللی را هم قبول ندارد تا چه رسد به اینکه به منطقه آزاد از سلاح‌های اتمی و شیمیایی در جهت تقویت روند تشنج‌زدایی و کاهش وخامت در منطقه تن در دهد.

همانطور که می‌دانیم از جنگ اول جهانی آتش جنگ در خاورمیانه به علت دسیسه‌های امپریالیسم برای دستیابی به منابع نفت و گاز کشورهای منطقه شعله‌ور است. اینکه با تسلیح کشورهای جهان به سلاح اتمی خطر بروز جنگ کاهش می‌یابد. حزب توده ایران با این نظر مانوئیستی موافقت ندارد. درست برعکس تولید و انباشت سلاح‌های هسته‌ای صلح و امنیت در جهان را به مخاطره می‌اندازد. حزب توده ایران همراه با محافل صلح‌دوست جهان و همه مبارزان راه صلح خواهان منع تولید و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی اعم از هسته‌ای و غیرهسته‌ای و از بین بردن سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی و میکروبی است. باید گفت نظریه‌پرداز رژیم توسعه مسابقه تسلیحاتی و تشنج‌افروزی در جهت تقویت نیروهای ارتجاعی در منطقه خاورمیانه را به سود انحصارهای نظامی-صنعتی سازنده جنگ‌افزار تبلیغ می‌کند و این در حالی است که امپریالیسم آمریکا و متحدانش با تمرکز نیروهای نظامی در منطقه خلیج فارس و مانورهای نظامی عملاً خلیج فارس را به اشغال نظامی درآورده‌اند و اسرائیل مدام از حمله نظامی به ایران سخن می‌گوید. این تصور که گویا با امتناع از پیمان (ان.پی.تی) و ساختن و تهیه بمب اتمی می‌توان از موضع قدرت با آمریکا برخورد کرد، تصویری خیال‌پرستانه و از مخیله بیمار کسانی نشأت می‌گیرد که با افکار واپس‌گرایانه و ماجراجویانه با ادامه دادن به جنگ امپریالیسم برافروخته ایران و عراق مردم میهن ما را در جنگ خانمانسوز اسیر کردند و زبان‌های جبران‌ناپذیری را به کشور و مردم میهن ما وارد ساختند که اگر پس از هشدارهای حزب توده ایران درباره توقف و پایان دادن به جنگ پس از بیرون راندن نیروهای نظامی اشغالگر عراق از خاک ایران به جنگ پایان داده می‌شد، پی‌آمدهای مخرب جنگ آن چنان وحشتناک نمی‌بود.

**در راه سازمانگری انقلابی
علیه ویرانگری ضدانقلابی مبارزه کنیم**

خلیج فارس را مورد حمله قرار می‌دادند تا از این راه از صدور نفت ایران بکاهند و رژیم را از ادامه جنگ بازدارند. در چنین اوضاع و احوالی سران رژیم با موضع‌گیری خود اعلام می‌کنند: وقتی منطقه خلیج فارس برای صدور نفت ایران نا امن باشد، ما هم منطقه را برای صدور نفت کشورهای این منطقه نا امن خواهیم کرد. به این ترتیب رژیم برای نا امن کردن منطقه خلیج فارس و دریای عمان تلاش می‌کند تا با ریختن مین‌های دریایی عبور و مرور کشتی‌های بازرگانی و نفتکش را مختل سازد. علاوه بر این رژیم سپاه پاسداران را با قایق‌های تندرو و سلاح دستی موشک‌انداز (آرپی جی 7) برای حمله به کشتی‌های بازرگانی و نفتکش تجهیز می‌کند تا با این اقدام محیط منطقه را نا امن سازد. در پی آمد این‌گونه ماجراجویی‌ها بود که به علت اصابت مین به یک ناو آمریکایی که در آبهای خلیج فارس روی داد. به گفته مقامات نظامی آمریکا در تیرماه 1367 ناوگان آمریکا به تلافی وارد عمل می‌شوند و نیمی از ناوگان جنگی ایران را نابود می‌سازند. که تا کنون رژیم درباره میزان خسارات و تلفات انسانی این تهاجم نظامی سکوت کرده است.

در نیمه اول سال 67، با بالا گرفتن تلاش‌های سران رژیم در ادامه جنگ و اوج‌گیری بی‌سابقه جنگ شهرها و کشتار مردم بی‌دفاع و بمباران‌های شیمیایی توسط رژیم عراق در جبهه‌های جنگ و فرار گروهی سربازان از خطوط مقدم جبهه‌ها و گسترش حضور نظامی امپریالیست‌ها در خلیج فارس و افزایش تحریکات و اقدامات تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در حمله به سکوها نفتی ایران و سرنگون ساختن هواپیمای مسافربر ایران بر فراز آبهای خلیج فارس ابعاد شوم جنگ و سرشت و ماهیت جنگ‌طلبان و سودبرندگان از ادامه جنگ را در نزد زحمتکشان ایران رسوا ساخت.

سرانجام رژیم با بن‌بست در ادامه جنگ و شکست‌های پیاپی نظامی در جبهه‌ها از جمله در "فاو" و "شلمچه" و اوج‌گیری جنبش صلح‌خواهانه توده‌ها در مخالفت با جنگ، ناگزیر از پذیرش قطعنامه 598 شورای امنیت، آتش‌بس و نشستن بر سر میز مذاکره برای حل مسائل مورد اختلاف گردید.

بدین‌سان پس از گذشت 8 سال جنگ، مردم ایران و نیروهای صلح‌دوست با نوشاندن جام زهر به "امام امت"، پذیرش آتش‌بس از سوی رژیم اعلام شد. رژیم پس از پذیرش آتش‌بس در پی شکست در جنگ، سیاست ترور و اختناق را در جامعه تشدید کرد و بویژه زندانیان سیاسی را آماج انتقام‌کشی خود قرار داد و فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی را آفرید. در جریان این فاجعه هولناک که در تابستان سال 1367، در زندان‌های رژیم انجام گرفت رژیم جنایتکار حاکم خون پاک هزاران تن از فرزندان خلق، مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی به زمین ریخت که خاطره آنها برای ابد نزد مردم آزاده و انسان‌دوست و صلح‌خواه زنده خواهد ماند.

رژیم "ولایت فقیه" با این تبهکاری‌ها چهره کریه و خونریز خود را به عنوان یکی از رژیم‌های خودکامه مذهبی جنایتکار در جهان به نمایش گذارد.

در ارتباط با ادامه جنگ باید به خسارات وارده به موسسات صنعتی در آبادان و خرمشهر اشاره کرد. اصرار خمینی در ادامه جنگ طی شش

سال منجر به نابودی دو شهر مهم صنعتی آبادان و خرمشهر گردید. خسارات مادی وارده به پالایشگاه آبادان با قدرت تولید 650 هزار بشکه در روز که یکی از بزرگترین پالایشگاه‌های جهان بود و در ادامه جنگ ویران شد. در آن زمان بالغ بر 300 میلیارد دلار تخمین زده می‌شد. کارخانه پتروشیمی (بی اف گودریچ)، کارخانه پتروشیمی پازارگاد، کارخانه کشتی‌سازی مارد، کارخانه رنگ پتر، کارخانه قند مایع در آبادان و کارخانه صابون‌سازی خرمشهر و بطور کلی موسسات صنعتی، کشاورزی و دریایی در آبادان و خرمشهر بکلی ویران شده‌اند. باید گفت محافل حاکم ارتجاعی هنوز هم از ماجراجویی دست برنداشته‌اند، بویژه اینکه همه گروه‌ها و جناح‌ها در زمینه اتمی از جمله سیاست ماجراجویانه غنی‌سازی اورانیوم غلظت بالاتر از 20 درصد را در سر می‌پرورانند و در زمینه اتمی دارای گرایش یکسان هستند. آنها در مخالفت و عدم پذیرش قطعنامه‌های ژانز بین‌المللی و شورای امنیت از تغییر تاکتیک و استفاده از فرصت برای طولانی کردن مدت مذاکرات و ترفند دور زدن تحریم‌ها در شرایط تحریم اقتصادی حرف می‌زنند که نمونه‌های بارز عدم درک و برداشت نادرست از شرایط جهانی و خصلت و ماهیت عملکرد امپریالیسم در سطح جهان می‌باشد که می‌تواند پیامدهای زیانبار و ناخوشایندی بهمراه داشته باشد.

حزب توده ایران با درک شرایط و احساس مسئولیت تاریخی خود برای جلوگیری از خطر تهاجم امپریالیسم و ایجاد صلح و امنیت در ایران، تنها راه برون رفت از مسایل اتمی را پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل اعلام می‌کند و در عین حال آن را یگانه آلترناتیو برای حل مسالمت‌آمیز مسایل اتمی رژیم می‌داند.

آلترناتیو دیگری وجود ندارد. با پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، نیروهای ارتجاعی در جامعه منفرد خواهند شد و در شرایط صلح‌آمیز امکانات برای مبارزه در راه تامین زندگی بهتر زحمتکشان و مردم فراهم خواهد آمد.

تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که برای تامین آزادی و صلح پایدار در کشور ما باید بزرگترین مانع هرگونه تحول دموکراتیک در جامعه، یعنی رژیم "ولایت فقیه" که ماهیتاً با آزادی و صلح در تضاد قرار دارد را از سر راه برداشت. در شرایط وجود رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" وقتی به نام دین و مذهب فرمانروایی می‌شود، از آزادی نمی‌تواند خبری باشد. آنجا که آزادی نیست، از پیشرفت اجتماعی هم نباید سخن میان آورد.

لذا تا زمانی که پایه‌های ساختار رژیم قرون وسطایی "ولایت فقیه" فرو نریخته است. مردم میهن ما رنگ آزادی، شرکت در تعیین سرنوشت خود، پیشرفت اجتماعی و نیکروزی را نخواهند دید.

مبارزان توده ای!

کشور ما در شرایط حساس و وضع فوق العاده ای قرار دارد. در این اوضاع متلاطم برای پیشبرد امر توده مردم در هسته های مخفی حزبی متشکل شوید.

از ایران چه خبر

درباره ارتشا در دستگاههای فاسد و دزد دولتی رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس رژیم اعتراف می‌کند که "پشت هر مجوز وارداتی رانت خوابیده است." وی در تشریح میزان وابستگی کشور به کالاهای وارداتی از کشورهای خارجی می‌گوید: "سال گذشته 12 میلیارد دلار معادل 36 هزار میلیارد تومان واردات انجام شد تا صدای مردم به دلیل کمبود کالایی درنیاید." (رسالت، 92/6/16)

حال با توجه به تحریم‌های شورای امنیت و وابستگی شدید اقتصادی کشور ما به انحصارات خارجی و کشورهای امپریالیستی، حسنک وزیر چگونه می‌خواهد با نقش واسطه‌کارانه خود معضلات عظیم اجتماعی و اقتصادی کشور را حل کند؟

با بند و بست و با تامین منافع گروه‌ها و جناح‌های مختلف در حاکمیت به منظور حفظ موجودیت رژیم نمی‌توان به تضادهای موجود درون جناح‌های هیات حاکمه پایان داد. زیرا منافع خلق در تضاد آشکار با روبنای قرون وسطایی استبداد مذهبی قرار دارد و این تضاد فقط با برانداختن و طرد مظاهر کهنه قرون وسطایی رژیم قابل حل است.

رژیم حاکم که برای تامین نیازهای ارزی خود تا حدود 97 درصد به درآمدهای نفتی اتکا دارد و برای خرید مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز کشور از خارج، از علوفه دام و دانه طیور گرفته تا دسته بیل و ماشین‌آلات صنعتی به ارز نیاز دارد. نمی‌تواند اقتصادی مستقل داشته باشد و رژیم قادر به برون رفت از بحران نخواهد بود.

در چنین شرایطی مبارزان توده‌ای باید در هسته‌های مخفی حزبی متشکل شوند و با سازماندهی و تبلیغ و ترویج، ماهیت رژیم را افشا کرده همراه با توده‌ها میهن خود را از وابستگی و فقر و جهل نجات دهند.

رفقا و دوستان گرامی!

"مردم" زبان بی بند توده‌ها را در کشور پخش نمایند.
پخش و تکثیر "مردم" در ایران یک وظیفه انقلابی است.

ادامه تحریم‌های اقتصادی و مالی و بانکی شورای امنیت موجب تشدید بحران اقتصادی-اجتماعی رژیم و نیز تشدید نارضایتی مردم در جامعه گردیده است. این تحریم‌ها از یکسو به کاهش صادرات نفت ایران یعنی ورشکست مالی رژیم و از سوی دیگر موجب گرانی سرسام‌آور، بیکاری و رشوه‌خواری و فساد دستگاههای دولتی شده است.

امروز که پس از یکسال از اعمال تحریم‌ها می‌گذرد در شرایط کنونی تنزل صادرات نفت و کاهش درآمدهای ارزی از محل فروش نفت، رژیم را با ورشکستگی ناشی از بحران اقتصادی و مالی روبرو کرده است. در رابطه با وضع کشور به نوشته‌ها و خبرهای مندرج در رسانه‌های خارج و داخل کشور مراجعه می‌کنیم.

"به گفته مقامات آمریکایی درآمد رژیم از فروش نفت خام از اواخر سال 2011 حدود 58 درصد به دلیل تحریم‌ها کاسته شده است. هر ماه بیش از یک میلیارد و 500 میلیون دلار درآمدهای نفتی ایران در حساب‌های خارجی جمع می‌شود که ایران امکان دسترسی و استفاده از آنها را ندارد. مجموع درآمد ماهانه حاصل از نفت خام ایران در شش ماه سال جاری به طور متوسط 3 میلیارد و 400 میلیون دلار بوده است. این بدان معنا است که جمهوری اسلامی در حال حاضر قادر نیست همین 44 درصد از درآمدهای نفتی خود را خرج کند یا به حساب‌های داخلی منتقل کند." (صدای آمریکا، 92/6/17)

در حالی که صدور نفت خام به علت تحریم‌های شورای امنیت رو به کاهش می‌رود و قیمت مواد خوراکی و مایحتاج عمومی دائما رو به افزایش است. "بنا به اعلام بانک مرکزی نرخ تورم مرداد ماه با افزایش 1/5 نسبت به ماه گذشته 39 درصد اعلام شده است." (رسالت، 92/6/16)

از طرفی مطبوعات مجاز درباره معضل بیکاری در کشور می‌نویسند: "نرخ بیکاری فعلی کشور بالای 20 درصد بوده و شمار بیکاران به 5 میلیون نفر می‌رسد. وزیر اقتصاد دولت "تدبیر و امید" به تازگی عنوان کرده است بزودی بازار کار کشور با 8 میلیون مناقضی کار مواجه می‌شود." (سایت آفتاب، 92/6/13)

آیا دولت جدید می‌تواند تغییری در این وضع که وزیر اقتصادش مطرح ساخته بوجود آورد؟ ما می‌گوئیم بعید است. علت روشن است. رژیم فاقد برنامه مدون برای برون رفت از معضلات اجتماعی و اقتصادی کشور است. از نظام سرمایه‌داری وابسته‌ای که سران رژیم با نیروهای مذهبی و روحانیون حاکم زیر پوشش "اقتصاد اسلامی" به ملت ایران تحمیل کردند، این کار بر نمی‌آید. چون رژیم مذهبی حاکم مانع بزرگی برای دستیابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در میهن ماست.